

بعضی شهروندان مشه‌دی با حضور در ابتدای جاده شان‌دیز عصر روز‌های جمعه را سپری می کنند

بادبادک‌بازی با بساط دورهمی خانوادگی

تکتم جاوید ا‌دست هایش را دور پای پدرش قلاب کرده است و با زور کود کانه اش او را می‌کشد تا قدم هایش را برای رسیدن به فروشنده تندتر کند.
گفتش و لباسش را خاک گرفته است.
از پشت شیشه ماشین برای خریدن یکی از آن هانقشه کشیده است و به محض رسیدن پایه زمین می‌کوبد: بابا پروانه‌ای، پروانه‌ای، و چه‌ره پ‌د‌ری که برای پرداختن پول پروانه این پا و آن پا می‌کند.

تصویر بچه‌های کوچکی که اغلب با گریه و زاری والدینشان را وادار به خریدن بادبادک می‌کنند صحنه ابتدایی و تکراری این زمین‌بازی است. دوراهی وکیل آباد را که به سمت شاندیز رد کنید، خطی از بادبادک‌های به‌نخ کشیده شده که میان ورزش‌باده‌هر رهگذری چشمک می‌زنند و به قول پدری: «ما را توی خرج و در‌د‌سر می‌اندازند، و فراوانی بادبادک‌هایی که در آسمان می‌رقصند، حاشیه جاده را به پارکینگ خودروها و حضور خانواده‌ها تبدیل کرده است. فضای بسیار خوبی برای بادبادک‌هوا کردن و سپری کردن چند ساعت یک روز تعطیل. تعداد مشتری‌ها هم کم نیست. یکی از فروشنده‌ها می‌گوید: «هوا که روبه خنکی می‌رود، مردم می‌آیند. بمانید تا ببینید یک ساعت دیگر چه خبر می‌شود.»

بنابر این گذاشتیم که به یکی از تفریحات مشه‌دی هادر روز‌های تعطیل بپردازیم. خانواده‌هایی که با هزینه محدود قصد سرگرم کردن خود را دارند، با علم به اینکه تنوع بخشیدن بین تفریحات به‌ویژه در روز‌ها و شب‌های بلند تابستان کار آسان و ارزانی نیست.

● بادبادک بازی کنار بساط چای و غذا هر چه هوا خنک‌تر می‌شود، تعداد آدم‌هایی که مقابل دسته فروشنده‌گان بادبادک یا به قول خودشان «کایت» می‌ایستند، بیشتر می‌شود. مشتری‌ها چند دسته‌اند. یک دسته آن‌ها هستند که با اول است و با شک و تردید می‌آیند، قیمت می‌کنند و با تعجب از عدد ورق‌ها فرزندشان را راضی می‌کنند که از همان راه‌آمده، برگردند. تعدادی دیگر اما حرفی اصرار‌های بچه‌ها نمی‌شوند، بادبادک می‌خرند اما تانی می‌توانند با قیمت کمتر، دسته سوم ولی جزو مشتریان دائم‌اند. عاشق یا به قول یکی از جوان‌ها گرفتار این بازی شده‌اند. با کمال میل هم بادبادک می‌خرند، هم وسایلیش را و اغلب هر هفته

یلدا مهدوی

گزارش

«شبهه سرماخوردگی است؟» سوآلی مشترک و پر تکرار که در همه این روز‌های تب دار و در میانه حال و احوال‌های مرسوم پرسیده شد.
برای جواب نیز همه چشم انتظار یک «بله» قرص و محکم هستند تا همان شک و تردید اندکی که برای طرح سوآل دارند به یقین تبدیل شود و خیالشان از بابت کرونا و آزار‌هاش آسوده شود. اما کرونا فقط ظاهرش تغییر کرده است نه ذاتش. و ویروس کرونا حالا بعد امیکرون با نام BA5 میان نفس‌های آدم‌های سرگردانی می‌چرخد تا جسم جدیدی برای خود پیدا کند. ذات کرونا هنوز آ‌زاده‌نده است.

- شروع تب دار

همه چیز با یک تب و لرز شروع می‌شود تب و لرزی که بعد حضور دوسال خورده‌ای کرونا یک نشانه هشدار ی برای اعلام حضور این ویروس شاخ دار و مراجعه‌په‌ی‌کی از درمانگاه‌های مشه‌د است. روی تمام هفت ش‌هت صندلی اتا‌ی انتظار بیمار نشسته‌اند. متصدی پذیرش می‌گوید چهار نفر جلوتر هستند و حداقل نیم ساعتی باید منتظر باشید. رنگ و روی همه بیمار‌ان در انتظار پریده و هیچ ک‌دام حال خوشی ندارند. برخی از بیمار‌ان و همراهانشان هم به دلیل شلوغی ترجیح داده‌اند داخل پیاده‌روهای روبه روی کلینیک منتظر باشند.

بعد از گذشت نیم ساعت نوبت ویزیت می‌رسد. صندلی بیمار با فاصله دو متری از پزشک گذاشته شده است. پزشک داخل مطب نیز با گان پوشیده شده است و با ماسک و شیلد ی که دارد جز چشم‌ها چیزی از پهنای صورتش دیده نمی‌شود. با توضیحات مختصر و شنیدن علامتی چون گلودرد و سردرد تشخیص اولیه اش کروناست. دکتر دو توصیه دارد، اول جدی گرفتن قرنطینه. با تأکید می‌گوید: «کرونا ی جدید به شدت با گیردار است و ممکن همه خانواده را درگیر کند. توصیه دوم آن تشخیص قطعی کروناست.» اگر بعد از سه روز علامت کم نشد، حتما تست کرونا بدهید.»

- دوباره صف سرم

داروخانه کنار درمانگاه مقصد بعدی همه بیمار‌ان و همراهان آن هاست. اغلب داروهای بیمار‌ان مشابه هم است و داخل بیشتر بسته‌های دارویی ای که

آنجا هستند. رضا یکی از فروشنده‌گان آنجاست و درحالی که بادبادک‌ها را به بند می‌کشد، می‌گوید: فکر نکنید همه برای سرگرمی وقت می‌آیند. آن طرف زمین را ببینید. آن‌ها کایت با زهای حرفه‌ای هستند. بادبادک‌هایشان تا پانصد متر و هفتصد متر بالا می‌رود. مشتری‌که نباشد خودمان هم بازی می‌کنیم. تفریح لذت بخشی است.

از مشتری‌های ثابتش هم تعریف می‌کند: خانواده‌های زیادی هر هفته می‌آیند. فرش می‌اندازند و بساط چای و غذا به راه است و بچه‌ها هم گوشه‌ای بازی می‌کنند. همه بعد از ظهر‌های جمعه تا شب اینجا هستیم. از ۲۵ هزار تومان تا چند میلیون تومان

طلوع و برادرش، آقای شایسته و همسرش حدود هشت تا ۱۰ نفر دیگر با خودروهای معمولی یا شاسی بلند را ستفاد بادک‌فروشان ابتدای شاندیز را تشکیل می‌دهند. جزئیات را که تعریف می‌کنند ما را با خود به دنیای دیگری می‌برند. از قیمت‌ها گرفته تا جنس بادبادک‌ها و فروشنده‌گی اش. طلوع باید ۵۵ سالی داشته باشد. برخلاف اغلب هم صنفی‌هایش که کلاه گذاشته‌اند و خانم‌هایی که دستکش پوشیده‌اند، هیچ محافظتی در برابر نور خورشید ندارد و ب‌آن چهره آفتاب سوخته‌اما خندان با حوصله توضیح می‌دهد: این کاسبی از بیکار نشستن و شنیدن غرغ‌های اهالی خانه بهتر است. دوسالی هست اینجا کار می‌کنم. از ۲۵ هزار تومان بادبادک دارم تا ۲ میلیون تومان. البته این همه قیمت‌ها و اجناس موجود در بازار نیست. تفاوتشان در جنس پارچه، میله و قرقره هاست. ۲۵ هزار تومانی مناسب

بچه‌های کوچک‌تر است، پلاستیکی و تقریباً یک بار مصرف.
و تأکید می‌کند: اگر خواستید پول کمتری بدهید، ۱۵۰ هزار تومانی بخريد. قیمت مناسب، پارچه‌ای و میله‌های فایبر گلاس دارد، بادوام‌بیشتر.

میان‌ه صحبت‌هایمان سر و کله والدین و بچه‌ها پیدا می‌شود. به چشم خریدار که به بادبادک‌ها نگاه کنید، انتخاب کردن سخت می‌شود. به‌خصوص اینکه بیشترشان شخصیت‌های کارتون‌ی هستند و بچه‌ها را گیج می‌کنند. بعضی آمده‌اند برای خرید وعده‌ای هم دنبال قطعات آسیب دیده می‌گردند. پدری که برای پیدا کردن میله بادبادک بین ماشین‌ها چرخیده و به مارسیده است می‌گوید: این مدل را مهر پارسال ۷۰ هزار تومان خریدم. چند بار هم آمدم و بازی کردیم حالا دنبال میله اش می‌گردم.

از نگاه او بادبادک بازی تفریح خوبی است و البته ارزان: با همین بادبادک پسر‌م را سرگرم می‌کنم. گاهی بچه‌های فامیل را هم می‌آوریم. بعد از دوساعت دویدن دنبال بادبادک آن قدر خسته می‌شوند که تا به خانه برسیم خوابشان برده است. طلوع آ‌رس چند خودرو آن طرف‌تر را می‌دهد که قطعات می‌فرشد. فروشنده‌گان دیگر هم، زوج میان سالی در حال تعمیر بادبادک یک دختر بچه پنج‌ب‌اشش ساله هستند که در تمام مدت خراب شدن بادبادکش گریه می‌کند و مادرش را کلافه کرده است. مادرش از خریدن آن بادبادک ۴۵ هزار تومانی هم ناراضی است و با درماندگی می‌گوید: مه‌دی‌ار بادبادک‌های کنار خیابان را دید و دست بردار نبود.



علین - سید گل‌ی شهرآر

این قدر توی ماشین گریه کرد که برگشتم. از آن موقع هم‌نخ‌ها به هم‌گره می‌خورد و پدرمان را درآورده است. این بچه‌ها هم که هر چه خرجشان کنیم، راضی نمی‌شوند. خواهرش از سبزوآر آمده و مهمان آن هاست. دیدن این همه بادبادک برایشان جالب است. دختر کوچک خودشان هم مشغول بازی شده است. فهی‌مه می‌گوید: دوروز پیش رفتم شهر بازی. یکی از مجتمع‌های تجاری با دو میلیون تومان چند بازی محدود داشت. ولی این‌طور تفریحات را نمی‌شود ادامه داد. خیلی‌ها ت‌وان پرداخت سالی یک بار این هزینه را هم ندارند. اگر تفریح ارزان‌تری مثل این‌ها جایگزین کنند، برای مسافران هم بهتر است. یکی از شهروندان که تجهیزات کامل‌تری دارد و از روی بادبادک بزرگ و حسابی اش معلوم است بایدگران‌تر باشد خودش را کایت باز حرفه‌ای معرفی می‌کند و این گونه توضیح می‌دهد: من پنج سال است بازی می‌کنم. اغلب جمعه‌ها در دشت و بیابان‌های اطراف شهر با اعضای گروهی که داریم جمع می‌شویم و مسابقه داریم. وی از دیگر مکان‌های بادباک بازی در شهر هم خبر دارد: مدتی پارک خورشید بازی می‌کردیم. حالا انتهای کال چهل بازه و نزدیک کوه پارک هم جایی برای بادبادک بازی هست.

- بادبادک‌های چینی

یکی از خانم‌های فروشنده درباره شبیه تهیه بادبادک‌ها می‌گوید: ما تولیدکننده نیستیم و این‌ها را از تهران سفارش می‌دهیم. آن‌ها هم از چین می‌آورند. همه در کنار هم جمع شده ایم اما هر کس برای خودش کار می‌کند.

حرفه‌ای‌ترین فروشنده‌های این گروه یک خانواده هستند که با خود، روش‌های بلندشان بادبادک‌های گران می‌فروشند و همه لوازم یک‌دی را هم دارند. علی در باره وضعیت فروش و نحوه تولید بادبادک‌ها می‌گوید: یکی از واردکننده‌های اصلی اجناس از تهران ما هستیم. برای توقف در اینجا هم از شهرداری شاندیز مجوز داریم. مشتری‌های ثابت زیادی داریم که حرفه‌ای بازی می‌کنند. کاسبی بدی نیست. احمد فروشنده انتهای خط جوانی ۲۴ ساله است. او هم در این کار خبره شده است. بادبادک تا قیمت ۱۰ میلیون تومان هم دارد، برای تاریکی شب هم کایت‌های چراغ دار یا چراغی که روی بادبادک نصب می‌شود. از نخ‌های گ‌وید و وسیله‌ای به نام نش که برای بادبادک‌های حرفه‌ای‌تر است و آسیب کمتری می‌بیند. مثل فرمان هیدرولیک خودرواست و تا مر حله نقطه شدن در آسمان بالا می‌رود.

- سالم‌تر از بسیاری تفریحات

ورش با د زیاد شده که به نظر سهیل ایده‌آل است. با همسر و دختر دوازده ساله اش آمده‌اند. مکان‌های دیگر شهر را هم رفته‌اند اما به نظرش فضای وسیع ابتدای شاندیز بهتر است. وی توضیح می‌دهد: اگر بادبادک بازی را ورزش حساب کنیم، از همه ورزش‌های دیگر مثل استخر ساعتی، ۵۰ هزار تومان یا فوتبال ترمی ۸۰۰ هزار تومانی بهتر است. اگر سرگرمی در نظر بگیریم، از خیلی تفریحات سالم‌تر است. بالاخره باید روز‌های اوقات فراغت را با کاری پرکرد. هاشمی‌را وقتی میان جمعیت می‌بینم که در حال چانه‌زنی بر سر قیمت بادبادک است اما نه برای خرید بلکه برای فروش. آمده که بادبادکش را بفروشد و برگردد. علت را که می‌پرسم، با انتقاد از وضعیت نامناسب فضای بازی می‌گوید: مدتی پیش با دختر و پسر‌م آمدم برای بازی. این قدر شلوغ می‌شود که گرد و خاک شدیدی به هوا بلند می‌شود. بعد از برگشتن به خانه یک هفته بیمار بودیم. بچه‌ها یمنه‌ها نمی‌گیرند که دوباره برای بازی بیاییم. برای اینکه پنهانه دستشان نماند آمدم بادبادک‌ها را بفروشم، چون گران خریدیم. بوی‌ازای در این فضای پرگرد و خاک را برای سلامتی مضر می‌داند و خطاب به شهرداری اضافه می‌کند: مدت زیادی است که مردم در این فضا بازی می‌کنند. کاش شهرداری لااقل زمین اینجا را هموار کند و ماسه بریزد که این همه خاک در هوا منتشر می‌شود. بیشتر حاضران اینجا کودکان هستند. اگر قرار است اینجا به عنوان یک تفریح برای شهروندان ادامه پیدا کند، باید فضا هم بسازی شود.

یادداشت

تفریح برای تحکیم بنیان خانواده



حسن علوی، پژوهشگر و جامعه‌شناس

خانواده کارکردهای مهمی دارد که از ابعاد مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی می‌توان به آن‌ها پرداخت. اعتماد، صمیمیت و تحکیم بنیاد در این نهاد اجتماعی فقط با بودن اعضای خانواده در کنار هم و ایجاد احساس هم‌دلی شدنی است. امروزه کارشناسان علوم اجتماعی خانواده را امری جهانی شده تصور می‌کنند که هیچ خانواده‌ای (سنتی و مدرن) از این قاعده دور نیست و در معرض پیامدهای مثبت و منفی قرار می‌گیرد. مسئله مهمی که اکنون در خانواده‌کم‌رنگ جلوه می‌کند و حلقه گم‌شده ارتباطات محسوب می‌شود پرداختن و توجه به تفریح‌های خانوادگی است. تفریح سالم در زندگی خانواده از اهمیت بالایی برخوردار است. وقتی فضای اجتماعی و خانواده بررسی می‌شود، یکی از نکاتی که باعث شادابی و پویایی جامعه و خانواده می‌شود و اعضای جامعه می‌توانند در آرامش، رفاه، امنیت و سلامت زندگی کنند، گذران اوقات فراغت و تفریح و انجام رفتارهایی است که می‌تواند برای جامعه و افراد ایجاد نشاط، تنوع، هیجان و سرزندگی کند.

- خانواده با نشاط؛ خانواده موفق

اگر نگاهی به اطرافمان بیندازیم می‌بینیم که همه اشخاص در طول روز گرفتاری‌ها و برنامه‌های روزمره‌ای دارند که در زندگی آن‌ها تعیین کننده است، زیرا پرداختن به امور جاری و روزمره زندگی ضروری است اما چنانچه زندگی افراد بر مبنای امور جاری و روزمره پیش‌برود، قطعاً افراد دچار احساس خستگی، کسالت، روزمرگی و نداشتن تنوع خواهند شد و در طول زمان دیگر نمی‌توانند به امور روزمره بپردازند. به‌نظر می‌رسد یکی از ارهاک‌های اساسی برای تزریق مجدد انرژی به افراد، ایجاد فرصت‌های شادی، هیجان، بازی و تفریحات سالم است تا آن‌ها بتوانند با جذب مجدد انرژی و هیجان مسیر زندگی را ادامه دهند و در فعالیت‌های شغلی و حرفه‌ای خود موفق‌تر عمل کنند. یکی از نکات مهم و تعیین کننده در این باره ایجاد فرصت‌های نشاط و شادی در خانواده‌هاست. خانواده‌ا‌داری کارکردهای متعددی است که همه این کارکردها باید به خوبی ایفای نقش کنند. فرصت‌های شاد و مفرح در فضای اجتماعی کارکردهای خانوادگی را سرعت می‌دهد.

- خانواده‌ها تفریح را جدی بگیرند

امروزه یکی از آسیب‌هایی که در فضای خانواده‌ها مشاهده می‌شود این است که خانواده‌ها به‌طور عمومی درگیر امور جاری و روزمره هستند. چنانچه فرصت‌هایی فراهم نشود تا خانواده بتوانند شادی، نشاط، هیجان و تنوع را خلق کند، بعد از مدتی آن خانواده بدون هیجان و را ک‌دی می‌شود و ساعت‌های کنار هم بودن اعضای خانواده برای آن‌ها جذابیتی ندارد. همین موضوع باعث می‌شود که خانواده در طول زمان جذابیت چندانی برای اعضا نداشته باشد، بنابراین جمع‌های بیرون از خانواده برای اعضا جذاب می‌شود. نداشتن جذابیت جمع‌های خانوادگی یکی از مشکلات جامعه امروز است و این جذابیت بخشی در حوزه کارکردی است که خانواده محلی برای شاد شدن، گفت‌وگو و ارتباط‌ندارد و شادی، هیجان و نشاط در فضایی بیرون از خانواده به دست می‌آید و همین موجب از هم پاشیدگی جمع‌های خانوادگی می‌شود. اما مطلوب این است که در کنار خانواده فرصت‌های شادی و تفریح و هیجان را خلق کنیم که اولاد در کنار خانواده بودن حفظ شود و دوم اینکه فضای تفریحی و شادی و فرصت تنوع و هیجان برای همه در کنار اعضای خانواده فراهم شود. متأسفانه امروزه نداشتن برنامه‌ای برای تفریح و شادی و هیجان در خانواده‌هایکی از معضلات اصلی است و چنانچه مسائلی مانند سلامتی، درآمد و رفاه برای خانواده مهم باشد، می‌تواند کارکردهای اجتماعی خود را به درستی ایفا کند، اما متأسفانه امروزه فراهم کردن فرصتی برای تفریح، شادی، نشاط و هیجان برای خانواده مهم نیست و بسیاری از خانواده‌ها برنامه‌ای جدی برای تفریح ندارند. در حالی که امروزه با توسعه سطحی از درآمد اقتصادی و انواع ابزارها و فرصت‌های موجود می‌توان شادی و نشاط را برای خانواده فراهم کرد. هنگامی که شادی و هیجان را در خانواده جدی نمی‌گیریم به ابزارهای موجود، دم‌دستی و کم‌هزینه اکتفا می‌کنیم. رسانه بهترین ابزار دم‌دستی موجود برای اعضای خانواده است که ضمن سرگرم‌کننده و بدون هزینه بودن، باعث می‌شود اشخاص از جمع خانوادگی دور شوند و به نوعی انسجام خانوادگی صورت نگیرد.

- خانواده آسیب ببیند جامعه آسیب می‌بیند

ممکن است استفاده از ابزارهای دم‌دستی موجب شادی لحظه‌ای شود اما یقیناً انسجام خانواده حفظ نمی‌شود و آن ابزارها معمولاً تفریح‌های انفرادی پایداری نیستند و ضروری است که خانواده‌ها تجدید نظر ی در باره تفریح، نشاط و برنامه ریزی ویژه با بضاعت مالی خود داشته باشند. ضمن اینکه با توجه به شرایط زیستی، محیطی و منازل مسکونی، برنامه‌ریزی در زمینه تفریح به‌طور جدی‌تر خودنمایی می‌کند و هر اندازه تفریح در فضای خانواده فراموش شود، کارکردهای اجتماعی خانواده نیز کاهش می‌یابد.

خانواده‌ای که آسیب ببیند، جامعه را نیز دچار آسیب می‌کند و به جرئت می‌توان گفت که یکی از دلایل اصلی مؤثر در جذابیت نداشتن خانواده این است که خانواده به آرامی کارکردهای خود را از دست بدهد، به این ترتیب در جمع‌های خانوادگی که به آرامی جذابیت خود را از دست می‌دهند افراد به‌طور مجزا ابزار نه‌های شخصی، تفریحی و هیجان آفرین را دنبال می‌کنند و تجدید نظر خانواده در زمینه تفریح و نشاط متناسب با شرایط خانوادگی، بافت فرهنگی و اجتماعی و وضعیت اقتصادی، بهترین برنامه‌ریزی در این بخش است. یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها چگونه گذراندن اوقات فراغت است که به شکل‌های متفاوتی سپری می‌شود. تفریح سالم با کاهش اختلالات بیماری در افراد، باعث سرزندگی و نشاط آن‌ها و مشارکت بیشتر افراد در زندگی اجتماعی می‌شود. تفریحات سالم از نیازهای خانواده‌ها و جوامع است و به همین دلیل نقش مؤثری در شادابی جامعه دارد. از سوی دیگر جامعه نیازمند فرهنگ‌سازی در حوزه تفریحات سالم در اوقات فراغت است و این مسئله جز با همیاری و هم‌افزایی مردم و مسئولان تحقق نمی‌یابد.

شهرآر

شهرآر NEWS IR
۲۲ شهریور ماه ۱۳۹۴
شماره ۷۷۱۸

۱۳



چشم‌پوش